



ژرو بوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

**گرامت در اسلام
با تأکید بر دیدگاه امام علی(ع)**

دکتر علی اصغر احمدی

(عضو هیأت علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران)

مقدمه

کرامت یکی از مفاهیمی است که در فرهنگ اسلامی با تأکید بسیار به کار رفته و از ارزش‌هایی است که باید مورد توجه خاص قرار گیرد. در روان‌شناسی و تعلیم و تربیت اسلامی، این معنا باید مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار گیرد و هم از راه تحقیق برای شناخت دقیق آن و کشف رابطه‌اش با سایر عناصر روان‌شناختی و تربیتی، و هم از راه اعمال شیوه‌های تحقق آن، در جهت گسترش آن تلاش شود.

کرامت، حافظ بسیاری از ارزش‌های الهی و انسانی است. توجه به آن و پاسداری از حریم آن، از وظایف مهم مسلمانان است. در جامعه اسلامی و در فرهنگ عملی آن، یعنی آن‌چه در عمل باید به آن پایبند بود، کرامت باید جایگاه رفیعی داشته باشد. کرامت در حفظ دین و ارزش‌های دینی نیز نقشی مهم دارد. انسان‌های کریم، حتی اگر اعتقادی به دین نداشته باشند، به آن جفا نخواهند کرد؛ در حالی که انسان‌های لثیم، حتی اگر به ظاهر مسلمان و معتقد باشند، به دین و سنت رسول اسلام جفا خواهند نمود. از این‌رو، پرورش انسان‌های کریم، باید در تعلیم و تربیت اسلامی، با تأکید و تقدیمی خاص مورد توجه قرار گیرد.

کرامت، در حفظ نظام اجتماعی نیز نقش به‌سزایی دارد. اجتماع انسانی احتیاج به نظامی دارد که با اتکاء بر آن، روابط انسان‌ها حفظ شود و در جهت کمال پیش رود. نمی‌توان در جامعه‌ای که در آن، انسان‌ها حقوق یکدیگر را محترم نمی‌شمرند، به مال و ناموس یکدیگر چشم دوخته و در ضایع کردن یکدیگر، بر هم سبقت می‌جویند، به بسیاری از اصلاحات و پیش‌رفت‌ها و بهبودها، امیدوار بود. دست‌اندرکاران جامعه، باید برای تنظیم روابط انسان‌ها در آن، چاره‌ای بیندیشند و نظامی محکم را بر آن حاکم سازند.

یکی از نظام‌هایی که می‌تواند روابط انسان‌ها را تنظیم کند، پرورش کرامت در افراد اجتماع و شناساندن کرامت هر انسان به انسان دیگر است. انسانی که برای خود کرامتی قایل است، در حفظ آن تلاش خواهد کرد و دست‌کم برای حفظ کرامت خویش، کرامت دیگران را نیز پاس خواهد داشت؛ در حالی‌که انسانی که خود را ارزشمند نمی‌داند، می‌تواند منشاء بسیاری از مشکلات برای دیگران باشد. در نظام اجتماعی اسلام، هر کس در جای خود ارزشمند است. خداوند، کرامت را برای بنی‌آدم در نظر گرفته است: «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و بر دریا و خشکی سوار کردیم و از چیزهای خوش و پاکیزه روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری‌شان بخشیدیم» (اسراء، ۷۰).

کرامت در حفظ سلامت روانی انسان‌ها، حفظ منابع اقتصادی، حقوق سایر ملل و استقلال کشورها نیز مؤثر است. این امور با شناخت دقیق‌تر مفهوم کرامت و توسعه و پاسداری آن، امکان‌پذیر است. اگر دشمنان ملت‌ها و انسان‌ها، بتوانند کرامت آنان را هدف قرار داده و آن را تبدیل به لثامت کنند، می‌توانند بسیاری از ارزش‌های انسانی را لگدمال و نابود نمایند. در تهاجم فرهنگی دشمن، اگر از قلعه کرامت ملت، با بذل جان و مال دفاع کنیم، دشمن را پیوسته ناکام خواهیم گذاشت؛ ولی اگر در مقابله با تهاجم فرهنگی، به مبارزه با جزئیات و امور فرعی بپردازیم و عناصر کلیدی و اصلی هم‌چون کرامت را مورد بی‌توجهی قرار دهیم، دشمن را در پیروزی خود یاری کرده‌ایم. کرامت یکی از نقاط حساس در حفاظت از حریم ارزش‌های الهی و انسانی است. امید که در این مقاله بتوانیم مفهوم کرامت را آن‌گونه که مورد نظر دین مبین اسلام است، بررسی و تجزیه و تحلیل نماییم.

معنای کرامت

در «مفردات راغب»، در ذیل ماده کَرَمَ آمده است: «زمانی که کرم را برای توصیف خداوند تبارک و تعالی به کار می‌بریم، اسمی است برای احسان و انعامی که از او صادر می‌شود؛ ولی زمانی که آن را برای توصیف انسان به کار می‌بریم، اسمی است برای اخلاق و اعمال پسندیده‌ای که از وی بر می‌آید؛ چنان‌که تا وقتی چنین اعمالی از انسان صادر نشود، به او کریم گفته نمی‌شود. بعضی از علما گفته‌اند که کرم مانند حریت است، با این تفاوت که حریت در مورد کوچک و بزرگ به کار برده می‌شود، در حالی که کَرَم تنها برای بزرگان به کار می‌رود» (راغب، ۵۵۰۲، ق). ملاحظه می‌شود که کرامت در مواضع مختلفی به کار می‌رود که از جمله استعمال آن برای خداوند و نیز به کارگیری آن برای انسان است. ما در این‌جا در صدد آنیم که مفهوم کرامت را برای انسان جستجو کنیم؛ زیرا کرامت در زبان قرآن، در معنایی بسیار گسترده مورد استفاده قرار گرفته و پرداختن به تمامی وجوه آن، احتیاج به بحثی گسترده‌تر دارد. «در اصل خداوند هر آن‌چه را که در

نزدش شریف است، با لفظ کریم وصف کرده، چنان که می فرماید: «وَأَنْشَأْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ» (شعراء، ۷) «و زُورِعَ وَ مَقَامٌ كَرِيمٍ» (دخان، ۲۶) «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ» (واقع، ۷۷) «و قُلْ لَّهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء، ۳۳) (همان).

در معنای اکرام و تکریم نیز گفته‌اند که مقصود از آن، این است که به انسان نفعی برسد که همراه با آن خواری و نقصانی نباشد و یا این که به انسان چیزی که کریم و شریف است اعطا شود. در احادیث اسلامی نیز کرم را با الفاظ گوناگون تعریف کرده‌اند؛ از جمله در احادیث ذیل، مولا علی علیه السلام، کرم را به معانی دوری از بدی‌ها، خوش‌خویی و دوری از پستی‌ها و ذلت عذاب الهی، معرفی فرموده است و آن را نتیجه بلند همتی انسان می‌داند. به عبارت دیگر، در این احادیث، کرامت به معنی بلند همتی و پرداختن به اهداف متعالی و دوری از پستی‌ها و اهداف دنی است. در «غررالحکم و درر الکلم»، احادیث زیر از مولا علی علیه السلام در این مورد نقل شده است:

«أَمَّا الْكِرْمُ التَّنَزُّهُ عَنِ الْمَسَاوِي؛ هَمَانَا كِرْمٌ عِبَارَتٌ اسْتِزْجَانًا بِدِيهَا».

«الکرم حسن السجیه و اجتناب الذنیه؛ کرم عبارت است از خوش‌خویی و دوری از پستی‌ها.»
«الکرم من اکرم عن ذل النار وجهه؛ کرم کسی است که گرامی بدارد چهره خویش را از (طریق دوری از) خواری آتش جهنم.»

«الکرم نتیجه علو الهیه؛ کرم نتیجه بلند همتی است.»

در سال‌های اخیر در روان‌شناسی، مفهوم «حرمت خود» (Self - Esteem) مطرح و تاکنون مطالعات زیادی در مورد آن انجام گرفته است. با توجه به مفهوم کرامت نفس، یکی از مسائلی که باید مورد توجه و تحلیل قرار گیرد، مقایسه این دو مفهوم با یکدیگر است. ما پس از بیان ویژگی‌های انسان کریم، به بحثی مقایسه‌ای بین این دو مفهوم خواهیم پرداخت.

ویژگی‌های انسان کریم

در احادیث اسلامی، به ویژه آنچه از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل شده، در مورد ویژگی‌های انسان کریم سخن بسیار گفته شده است. ما با توجه به این منابع، ویژگی‌های انسان کریم را به شرح زیر طبقه‌بندی و توصیف می‌کنیم. البته این طبقه‌بندی می‌تواند از زوایای دیگر نیز نگریسته شود و طبقه‌بندی‌های دیگری از این ویژگی‌ها آرایه گردد:

۱. خویشتن داری. یکی از ویژگی‌هایی که برای اهل کرم بر شمرده‌اند، خویشتن‌داری و مالکیت هوای نفس است. انسان کریم بر زبان، غضب و امیال خویش تسلط دارد؛ چشم و دلی پاک دارد و هوای نفس‌اش در نظرش کوچک و پست است. کلمات زیر از «غررالحکم و درر الکلم» از زبان مولا امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره نقل شده است: «الکرم ملک اللسان و بذل الاحسان؛ کرم نگه‌داری زبان است و پراکندن احسان». «أَمْلِكُ عَلَيْكَ هَوَاكَ وَ شَحَّ بِنَفْسِكَ عَمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ، فَأَنْ الشَّحَّ بِالنَّفْسِ حَقِيقَةُ الْكِرْمِ؛ هوای نفس‌ات را نگه‌دار و نسبت به خویشتن از آنچه حرام است بخل

بورز؛ زیرا بخل نسبت به خویشان، حقیقت کرم است». «من کرمت علیه نفسه صغرت الدنیا فی عینه؛ آن کس که نفس اش در نزد خویشانش گرامی است، دنیا در نظرش کوچک است». «الکرمین أصبر انفساً؛ کرم به لحاظ نفسانی صبورتر است».

از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است که فرمود: «ثلاثة تدلُّ علی المرء: حسن الخلق، كظم الغیظ و غصُّ الطرف؛ سه چیز گواه کرم مرد است: خوش خویی، غلبه بر خشم، و چشم پوشی» (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۳۲).

۲. نرم خویی. از صفات انسان های کرم، خوش خویی و نرم خویی است. در نقطه مقابل، انسان لثیم قرار دارد که سخت دل و سخت خوست. انسان کرم در مقابل خواهش دیگران نرم می شود، در حالی که انسان لثیم در مقابل لطف و تقاضای دیگران، قساوت می یابد. از امیرمؤمنان علیه السلام نقل است که فرمود: «من الکریم لین الشیم؛ نرم خویی از کرم است» (همان، ج ۷۷، ص ۲۰۸).

از امام حسن عسکری علیه السلام نیز نقل است که فرمود: کرم هنگامی که با خواهش مواجه شود، نرم می شود، در حالی که لثیم زمانی که لطف می کند با قساوت چنین می کند (هم چنین نقل شده است که لثیم هنگامی که مورد لطف قرار می گیرد قساوت به خرج می دهد) (همان، ج ۷۸، ص ۴۱).

۳. پای بندی به عهد و پیمان. یکی دیگر از صفاتی که برای کرمیان بر شمرده اند، پای بندی آنان به عهد و پیمان است. آنان هنگامی که عهدی می بندند، وعده ای می دهند و زیر بار تعهدی می روند، خود را ملزم به انجام آن می دانند. کلمات زیر همگی از امیرالمؤمنان علیه السلام است که در «غررالحکم و دررالکلم» آمده است: «وعد الکریم نقد و تعجیل؛ وعده کرم نقد است و برآمده». «الکرم اذا وعد وفی و اذا تواعد عفی؛ کرم آن گاه که وعده ای می دهد به آن وفا می کند و وقتی به او وعده ای داده می شود، از آن در می گذرد». «سنة الکرام الوفاء بالعهود، سنة اللئام الجحود؛ سنت انسان های کرم، وفای به پیمان هاست و سنت انسان های لثیم، انکار و تکذیب است». «من الکریم الوفاء بالذمم؛ وفای به پیمان ها از کرم است».

۴. سادگی. انسان کرم، انسانی ساده و از پیچیدگی ها و داشتن نیت های پنهانی به دور است. از امیرمؤمنان علیه السلام در «غررالحکم و دررالکلم» نقل شده است که فرمود: «الکرم ابلج و اللئیم ملهوج؛ انسان کرم روشن و آشکار است و انسان لثیم پیچیده». «الکرم مجمل؛ کرم ساده (و جمع و جور) است».

۵. آبروداری. برای انسان کرم جایگاه اجتماعی، حرمت و آبرو اهمیت بسالایی دارد. او نمی خواهد مورد اهانت قرار گرفته و خوار شود. برای او، حفظ آبرو از حفظ مال مهم تر است و آبرو را بر مال دنیا ترجیح می دهد. خشم و صولت چنین فردی، هنگامی است که مورد اهانت قرار می گیرد. کلمات زیر از مولا امیرالمؤمنین علیه السلام است که از «غررالحکم و دررالکلم» نقل می شود: «الکرم ایثار العرض علی المال، اللؤم ایثار المال علی الرجال؛ کرم عبارت است از گزیدن

آبرو بر مال و لثامت گزیدن مال است بر مردم». «الکریم من صان عرضه بماله، اللئیم من صان ماله بعرضه؛ کریم کسی است که آبرویش را با بذل مالش حفظ می‌کند، در حالی که لئیم کسی است که مالش را با بذل آبرویش ننگه می‌دارد». «احذروا سطوة الکریم اذا وضع و سورة اللئیم اذا رفع؛ بر حذر باشید از خشم کریم، آن‌گاه که خوار شود و از مقام لئیم، آن‌گاه که رفعت بیابد».

۶. احسان. یکی دیگر از صفات بارز انسان کریم، احسان اوست. انسان کریم از احسان کردن و بخشیدن مال لذت می‌برد. او بیش تر دست دهنده دارد تا دست گیرنده؛ در حالی که لئیم از گرفتن و بهره‌گیری از دیگران لذت می‌برد.

کلمات زیر از مولا امیرمؤمنان علی علیه السلام از طریق «غزوالحکم و دروالکلم» به ما رسیده است: «الکریم من بذل احسانه، اللئیم من کثر امتنانه؛ کریم کسی است که احسانش را می‌پراکند، در حالی که لئیم کسی است که تقاضای بسیار دارد». «الکریم من سبق نواله سواله؛ کریم کسی است که بخشش بر تقاضایش سبقت گرفته است». «الکریم من بدأ بأحسانه؛ کریم کسی است که به احسان کردن پیشی می‌گیرد». «ما فرار الکرام من الحمام کفرار هم من البخل و مقارنة اللئام؛ انسان‌های کریم از مرگ چنان نمی‌گریزند که از بخل و همتشینی یا لئیمان».

۷. بخشش (عفو). بخشیدن گناهان و جرایم دیگران، از سنت کریمان است. آنان بدی را با نیکی پاسخ می‌دهند و هنگامی که قدرت می‌یابند، دست به عفو و بخشش می‌زنند. کلمات زیر از مولا امیرمؤمنان علی علیه السلام در این زمینه نقل شده است: «المبادرة الی العفو من اخلاق الکرام، المبادرة الی الانتقام من اخلاق اللئام؛ اقدام به بخشش از اخلاق کریمان است و اقدام به انتقام از اخلاق لئیمان». «الکریم من جازى الاساءة بالاحسان؛ کریم کسی است که بدی را با نیکی پاسخ می‌دهد». «الکریم اذا قدر صفح و اذا ملک سمع و اذا سئل أنجح؛ کریم کسی است که اگر قدرت پیدا کند می‌بخشد و اگر دارایی بیابد ارزانی می‌دارد و اگر مورد سؤال واقع شود درخواست را بر می‌آورد». «لیس من شیم الکرام تعجیل الانتقام؛ از صفات انسان‌های کریم تعجیل در انتقام نیست».

علاوه بر این صفات، کریمان دارای صفات مثبت بسیاری هستند که از آن جمله، راست‌گویی و امانت‌داری، تقوا، نیکوکاری، قدرشناسی، پاک‌بازی، وطن‌دوستی، حق‌شناسی و... را می‌توان نام برد.

کرامت، آن‌گونه که توصیف آن گذشت، یک صفت اخلاقی جامع یا به عبارتی تیپ شخصیتی است که متشکل از صفات متعدد است. به عبارت دیگر، اگر بخواهیم کرامت را از دیدگاه روان‌شناسی مورد کاوش قرار دهیم، باید آن را در مقوله یک تیپ شخصیتی که در دو بعد کرامت و لثامت قابل توزیع است مورد توجه قرار دهیم؛ یعنی می‌توانیم انسان‌ها را بر اساس این طیف دو قطبی درجه‌بندی کنیم.

با این توصیف، نمی‌توان کرامت را با صفاتی چون «حرمت خود» مقایسه کرد. «حرمت خود» یک صفت شخصیتی است، در حالی که کرامت یک تیپ است. در حقیقت «حرمت خود»، یک

ارزشیابی مثبت از خویشتن است (شیفر ۲۰۱۰)؛ در حالی که کرامت، ضمن ارزش‌گذاری مثبت نسبت به خود، مجموعه صفات متعددی است که ما در این مقاله به بسیاری از آن‌ها اشاره کردیم. در کنار حرمت خود، در روان‌شناسی، مفاهیمی چون خودپنداره (Self - Concept)، کنترل خویشتن (Self Control)، هویت (Identity)، و شناخت دیگران (Knowing About Others) نیز لازم است تا بخشی از شخصیت اجتماعی انسان شکل بگیرد (همان منبع). تعامل این ویژگی‌ها، نمی‌تواند رعایت حقوق دیگران را ضرورتاً همراه داشته باشد، چه رسد به اینکه صفات مثبت اخلاقی، همانند آنچه در مورد انسان‌های کریم گفتیم، را نیز دربرداشته باشد.

تحقیق در کرامت

با این توصیف که کرامت یک تیپ شخصیتی از دیدگاه اسلامی است، تحقیق درباره این تیپ لازم است. سؤال‌های مهمی که در این باره مطرح است، این‌هاست:

۱. کرامت چگونه شکل می‌گیرد و چه عواملی در شکل‌گیری آن مؤثرند؟ عوامل وراثتی در این زمینه، نقش اساسی دارند یا عوامل محیطی؟
۲. چه عواملی موجب آسیب خوردن کرامت می‌شوند؟ آسیب‌شناسی کرامت چیست؟
۳. کرامت در مراحل مختلف عمر، چگونه تحول پیدا می‌کند؟
۴. چه تفاوت‌هایی بین دو جنس در مورد کرامت وجود دارد؟ آیا این تفاوت‌ها، علاوه بر ویژگی‌های صفات، در تحول و آسیب‌شناسی کرامت نیز وجود دارند؟
۵. کرامت چه تأثیری بر دیگر ویژگی‌های روان‌شناختی و تربیتی انسان دارد؟ آیا کرامت بر عواملی چون موفقیت اجتماعی، پیشرفت و مشارکت اجتماعی مؤثر است؟

پیشنهاد‌های تحقیقی

به‌منظور پاسخ‌گویی به سؤالات بالا، پیشنهاد‌های زیر ارائه می‌شود:

۱. برای سنجش کرامت، لازم است ابزاری ساخته شود. این ابزار باید جنبه تحولی داشته و برای سنین مختلف، متفاوت باشد.
۲. در مورد صفات وابسته به کرامت، تحقیق انجام شود و رابطه آن را با سایر عوامل روان‌شناختی از قبیل: هوش، خلاقیت، حرمت خود، کنترل خویشتن و جنسیت و... روشن شود.
۳. در مورد نهاد‌های مؤثر در تربیت، یعنی خانواده، مدرسه و جامعه و نقش آن‌ها در تقویت یا تضعیف کرامت، بررسی و تحقیق شود.

منابع

۱. قرآن کریم.

۲. آمدی: غررالحکم و دررالكلم.

۳. راغب الاصفهانی، ابی القاسم الحسین بن محمد (بی تا): المفردات فی غریب القرآن، تهران: المكتبة المرتضویه.

۴. مجلسی، علامه محمد تقی: بحار الانوار.

۵. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۶۳): میزان الحکمه، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، قم.

6. Shaffer David R.(2000): Social & Personality Development, Wadsworth , USA.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی